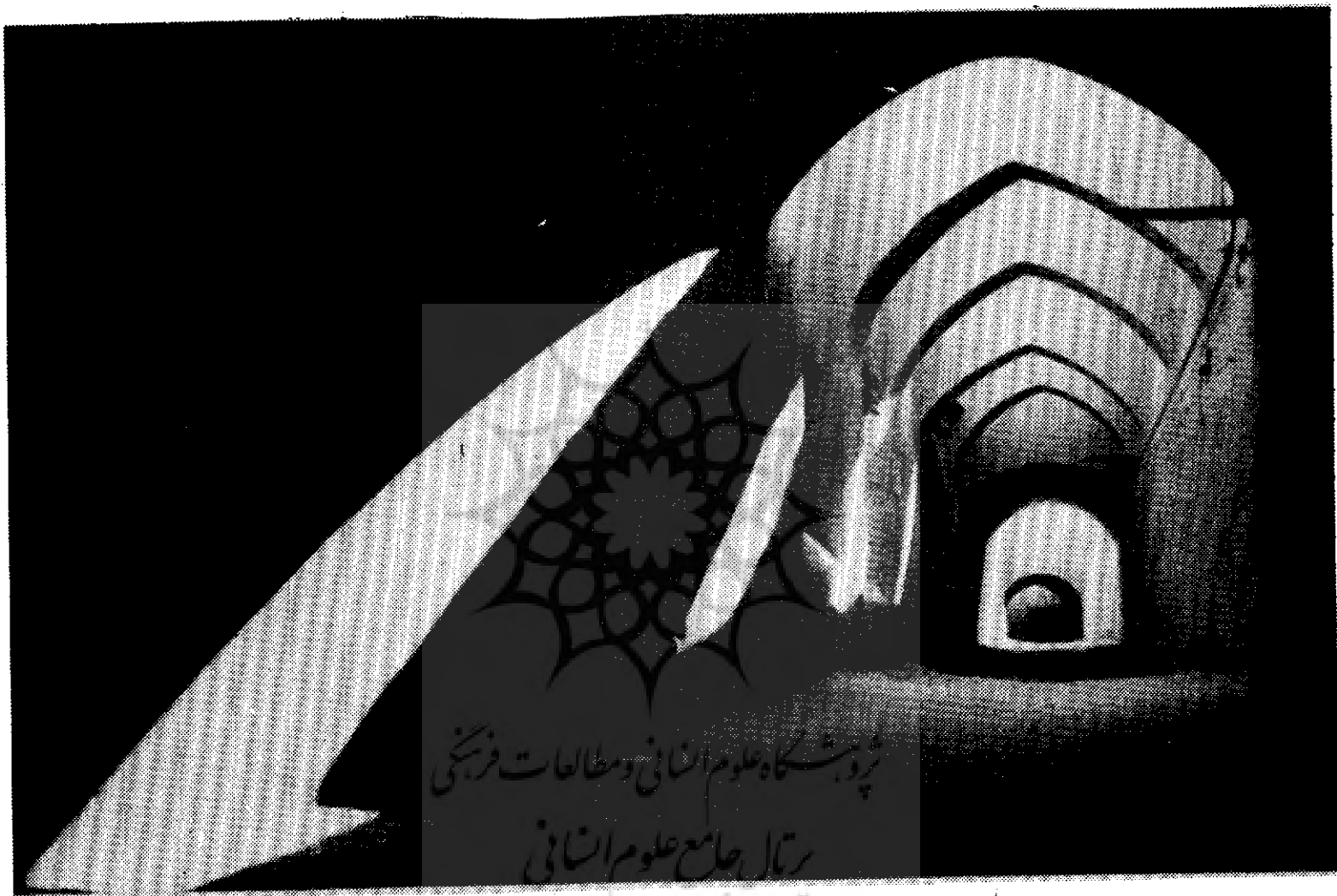




چهره و کالبد شهر در گفتگوی تمدنها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

دکتر محمد تقی زاده

گفتگوی تمدنها نیست که البته طرفین گفتگو، از امکانات یکسان برخوردار نبوده و در شرایط مساوی قرار ندارند.

با عنایت به بررسی موضوع در متن جامعه‌ای با فرهنگ اسلامی، ضرورت تدوین معیارهای گفتگو بر مبنای تعالیم اسلامی ضرورت دارد. این ضرورت وقتی تشدید میشود که محصولی از سایر تمدنها اخذ گردد. زیرا یکی از بزرگترین مشکلات امروزه جهان اسلام این است که متأسفانه نتوانسته یا نخواسته که معیارهای اسلامی و خودی را جهت ارزیابی آنچه که از ممالک بیگانه می‌آید تدوین نماید و ایده‌ها و تفکرات و

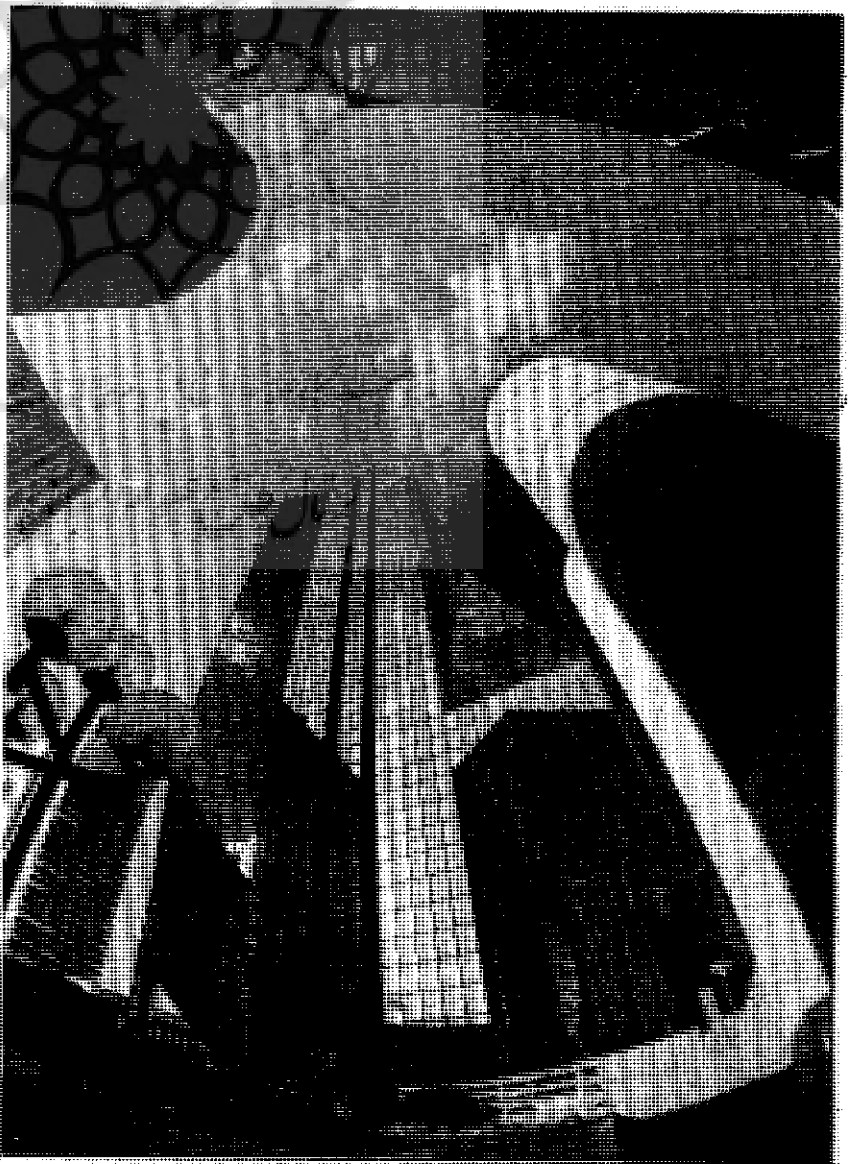
*** کوچه‌های پیچ در پیچ شهرها سخن از سلسه مراتب و توجه به باطن و همدلی مدینه‌نشینان با هم می‌گفت. لکن شهر معاصر شهر تسلط مصنوع انسان بر انسان است و مقوله «مقیاس انسانی» نیز با غفلت از بعد روحی و معنوی انسان، بر ابعاد و تواناییهای مادی انسان متمرکز است.**

تحصیل هر هدف و آرمانی نیازمند یک سری اطلاعات و برنامه‌ای خاص برای طی آگاهانه مسیر می‌باشد. در مورد گفتگوی تمدنها نیز دقیقاً چنین است. زیرا اگرچه «گفتگوی تمدنها» فی‌نفسه امری ضروری و عامل تبادل اطلاعات و علوم و دانشهای بشری است، لکن بنظر میرسد که برخی موضوعات از قبیل «هدف»، «ابزار»، و «شرایط» گفتگو بایستی بوضوح روشن باشند. از این میان، شرایط بتوان ادعا نمود که امروزه «ابزار» گفتگوها (نسبت به سایر عوامل) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. چرا که اصولاً قرن حاضر قرن تبادل اطلاعات نامیده شده و این تبادل چیزی جز

محصولات وارداتی را با آنها بسنجد، سره را از ناسره تمیز دهد، خوبیهایش را جذب و تقویت کند و اشکالات و معایبش را حذف نماید،^(۱) و بطور خلاصه بتواند نقشی فعال را در اینگونه از گفتگو با سایر تمدنها ایفا نماید. لزوم وجود معیار ارزیابی ایده‌ها و تفکرات سایر تمدنها وقتی وضوح می‌یابد که توجه کنیم که بسیاری اصول و مفاهیم و ارزشها (مانند عدالت، راستی، آزادی، زیبایی، ...) اصولی جهانی هستند و همه از اهمیت و لزوم توجه به آنها سخن می‌گویند. لکن با ورود در مباحث مرتبط با هر مکتبی مشخص می‌شود که تغییرات و برداشتها و تفاوتی با یکدیگر دارند که این تفاوتها گاهی اختلافاتی بسیار اساسی‌اند. در اینجا است که لزوم ارائه تعریفی «خودی» از این ارزشها ضرورت می‌یابد و مادامیکه معیارهایی برای ارزیابی تعاریف رسیده از تمدنهای متفاوت در دسترس نباشند، زمینه‌ای نیز برای گفتگو و بحث سازنده مهیا نخواهد شد. پس از تبیین معیارها، توجه به ابزار گفتگو و اینکه هر موضوع و مفهومی که حاصل فعالیت‌های جامعه‌ای باشد و بتواند بعنوان ابزار گفتگو مورد

استفاده قرار گیرد، ضرورت دیگر است. در جهان معاصر یکی از ابزار مهمی که (هرچند به ناحق) بعنوان نشانه و سمبل قدرت و پیشرفت و توسعه و ترقی و مدنیت، عقاید و آراء و تسلط روانی و فرهنگی تمدن غرب را به سراسر جهان می‌پراکند سیما و کالبد و فضای شهرهای آنها می‌باشد، بدون آنکه سایر جوامع در این فضا سازی نقشی درخور ایفا نمایند. بهر حال مقاله حاضر در پی بیان اهمیت موضوع ارایه روشهایی در جهت مشارکت در این فضا سازی برای زندگی انسان و به عبارتی

* شهرهای جدید، جملگی تقلید و تکرار الگوهای غربی و عامل مشابه ساختن محیط زندگی مسلمین به محیط زندگی غیر اسلامی هستند.



مشارکت در این گفتگو میباشد تا جامعه خودی را در خروج از حالت فقط شنونده بودن یاری نماید و در عین حال ویژگیهای «مدینه» تمدن اسلامی را معرفی نماید.

ریشه‌های گفتگوی تمدنها در تعالیم اسلامی. نکات مختلفی در تعالیم اسلامی را میتوان بعنوان راهنمای گفتگوی تمدنها جستجو نمود، از جمله آیاتی چون:

* ... فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدینم و اولئک هم اولوالالباب.^(۱) * قل یا اهل الکتاب تعالو الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئا...^(۲) * وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله کنتم صادقین^(۳) * ام اتخذوا من دونه الهه قل هاتوا برهانکم هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی بل اکثرهم لا یعلمون الحق فهم معرضون^(۴) و * لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...^(۵) را زمینه ساز و راهنمای گفتگوی تمدنها می‌شمارد. از سوی آیات متعددی از قرآن کریم که به پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید که با کفار و مشرکان و پیروان سایر ادیان چگونه و از چه موضوعاتی سخن بگویند و چه تذکراتی را به آنها یادآور شود، میتوان زمینه‌ای برای مسلمین در گفتگو با سایر تمدنها باشند.^(۶) همچنین حدیث معروف «اطلب العلم و لو بالصین» و فرمایشات حضرت مولی الموحدین (ع) در مورد نحوه استفاده از تجربیات گذشتگان (سایر تمدنها)^(۷) گواهان دیگری بر توصیه اسلام به گفتگوی تمدنها هستند.

گفتگوی تمدنها علاوه بر ارتباط با تمدنهای معاصر، بهره‌گیری از تجارب سایر تمدنها و از جمله تمدنهای کهن و قدیمی را بصورت عبرت‌گیری و یادآوری و تذکر توصیه می‌نماید. ریشه‌های این توصیه را نیز در بسیاری آیات قرآن کریم و توصیه‌های معصومین (ع) میتوان مشاهده کرد.^(۸)

عناصر متشکله تمدن. تمدن در لغت به معنای «تخلقی به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجبه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، شهرنشینی، تربیت و ادب»^(۹) آمده است. تمدن داشتن نیز به «دارای تربیت بودن، شهرنشینی بودن و در مرحله کامل اجتماعی قرار داشتن، و خلاف بربریت»^(۱۰) معنا شده است. علی‌ایحال آنچه که به تمدن تعبیر می‌شود عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها (جامعه) که با اتکا به فرهنگ و جهان‌بینی و عقاید هماهنگ و غالباً همسان، اجتماع و محیط و فضایی را بوجود آورده باشند که هویت هر جزء آن با هویت کل هماهنگ و همسو بوده و در جامع جهانی به آن نام شناخته می‌شود. اگر چه تسمیه تمدنها به موضوعات مختلفی از جمله مکان

جغرافیایی (هندی، ایرانی و...)، نژاد و قومیت (مایا، سامی و...)، دین و مذهب (اسلامی، بودایی و...)، و عقیده اجتماعی و سیاسی (کمونیستی، سرمایه‌داری و...) مرتبط است، لکن آنچه که وجه بارز هویت هر تمدنی است وجه فرهنگی و فکری آن می‌باشد. که در همه مقولات زندگی جامعه از جمله نظام دهی محیط زندگی مؤثر و دخیل است.

هر تمدنی را می‌توان متشکل از سه عنصر اصلی و اساسی دانست. عنصر اول «انسان» هایی که متعلق به آن تمدن خاص هستند (اهل مدینه یا تمدن مورد نظر)، دوم «مدینه» (ظرفی) که انسانهای متعلق به آن تمدن در آن می‌زیند، و سوم «جهان‌بینی» و تفکری که بر جامعه انسانی خاص حاکم بوده و عاملی است در تنظیم روابط آحاد جامعه، تعریف کننده ویژگیهای روابط آن جامعه

*** هر تمدن را می‌توان متشکل از سه عنصر اصلی و اساسی دانست: «انسانهایی» که متعلق به آن تمدن خاص هستند، «مدینه» که انسانها در آن می‌زیند، و «جهان‌بینی» که تفکر حاکم بر جامعه انسانی است.**

با سایر جوامع، تعیین کننده و یزگیهای محیط زندگی، تعریف کننده نحوه نگرش جامعه به محیط طبیعی و محیط مصنوع، تنظیم کننده روابط نهادهای اجتماعی، تبیین کننده راه و روش زیست، و معرف بسیاری عوامل دیگر.

در تماس و برخورد تمدنها آنچه که مورد گفتگو است، عنصر سوم است که مورد تأیید، تکذیب، تعدیل، تقلید، ... قرار می‌گیرد.

مختصات گفتگو. مقولات اساسی و مهمی در گفتگوهایی که در عصر حاضر رخ می‌دهند، عبارت از «معنا»، «اهداف»، «شرایط» و «ابزار» گفتگوها می‌باشند.

الف: معنای گفتگو: اگرچه گفتگو در لغت به معنای «صحبت، گفت و شنود، مکالمت،

آوازه، شهرت، مباحثه و مجادله»^(۱۲) آمده است، لکن در اینجا عبارت از يك ارتباط دو (یا چند) طرفه بین دو (یا بیشتر) جامعه یا تمدن در جهت انتقال اطلاعات می‌باشد. با قبول این تعبیر، گفتگو از حالت محاوره صرف خارج شده و هرگونه ارتباطی را که منجر به تبادل اطلاعات گردد را شامل می‌گردد.

ب: اهداف گفتگو: در هر گفتگویی، عمدتاً امکان وجود یکی از وجود حسن نیت یا سوء نیت وجود دارد. هر کدام از این دو وجه میتوانند اهدافی را چون ارشاد و هدایت طرف مقابل،

ترویج عقاید و افکار خویش، اخذ علوم ر دانشهای طرف مقابل، آگاهی از تجارب طرف مقابل، ارائه علوم و دانشها و تجارب خودی به طرف مقابل، دنبال کردن مسائل اقتصادی و یافتن بازار و خواهان برای تولیدات خودی و یا اخذ مواد و محصولات از طرف مقابل، ایجاد زمینه تفاهم بین تمدنها، از بین بردن زمینه سلطه، از بین بردن زمینه جنگ، تبادل اطلاعات و دانشها و تجارت و هنرها، کمک به برقراری و تداوم صلح، مرتفع کردن سوء تفاهمات، و امثالهم^(۱۳) را دنبال نمایند.

در مقام حسن نیت، این اهداف در ارائه اطلاعات صحیح به طرف مقابل و اخذ اطلاعات از او در جهت رشد جامعه خودی خلاصه می‌شوند که بنحوی بتوانند عامل وابستگی و ایجاد ضعف در آن تمدن و جامعه باشند.

ج: شرایط گفتگو: در گفتگوی بین تمدنها در عصر حاضر، با وجود پیچیدگیهای خاص آن، لزوم توجه به شرایطی ضرورت دارد تا نتیجه دلخواه تحصیل گردد. اهم این شرایط عبارتند از: اخذ اطلاعات و تجربیات، به تهاجم و نفوذ فرهنگ و تفکرات بیگانه منجر نشود.^(۱۴) حاصل گفتگوها به پذیرش زعامت و ولایت بیگانگان (اعم از زعامت فیزیکی و استعمار و زعامت فکری و روانی) منجر نشود.^(۱۵) از خود بیگانگی از جامعه رخت بر بسته و بحران هویت مبتلا به قرن حاضر مرتفع شده باشد.^(۱۶) احساس حقارت (بعنوان پدیده غالب و مسلط بر جوامع جهان سوم در مقابل جوامع صنعتی) در مقابل طرف گفتگو کننده جای خود را به اعتماد به نفس داده باشد.^(۱۷) گفتگو یکطرفه نباشد. موضوعی که جوامع بسیاری را رنج می‌دهد و جوامع با قدرت ارائه اطلاعات زیاد را از این روش (جریان یکسویه اطلاعات) حداکثر (سوء) استفاده را در تسلط فرهنگی و فکری بر سایر جوامع بعمل می‌آورند.^(۱۸) گفتگو در عین حفظ هویت طرفین و احترام متقابل آنها به باورهای یکدیگر انجام شود.

د: ابزار گفتگو: چنانچه گذشت نه تنها محاوره ابزار انحصاری گفتگوی تمدنها نیست، بلکه امروزه برخی از ابزار دیگر اهمیتی فراتر از محاوره و صحبت رودررو یافته‌اند اگرچه که برای محاوره و صحبت رودررو نیاز به شرایط مطروحه است، لکن توجه و مسلح بودن به سایر ابزار نیز ضرورت تام و جدی دارد. همه علوم، فنون، صنایع، هنرها و هرآنچه که محصول فکر و اندیشه بشر باشد جملگی در خدمت گفتگوی تمدنها قرار می‌گیرند که تبادل اطلاعات از طرق مکتوبات، شبکه‌های صوتی و تصویری و رایانه‌ای، جهانگردان، سیاستمداران، صادارات و واردات، مدها، شیوه زندگی، و محیط زندگی انجام می‌پذیرد.

نکته مهم در بکارگیری این ابزار در این است که اگر چنانچه در بهره‌گیری از این ابزار تعادل و توازنی بین تمدنهای طرف گفتگو وجود نداشته باشد «گفتگو» بصورت «گفت» تنها درآمده و

انتقال اطلاعات و بالنتیجه القاء ایده‌ها بصورت یکطرفه انجام می‌پذیرد، همانند رابطه‌ای که بین انسان و رسانه‌های عمومی وجود دارد و این همان مشکلی است که اطلاعات یکطرفه (one-way information) نامیده می‌شود و یکی از مشکلات بزرگ انسان غربزده معاصر می‌باشد، که علیرغم گسترش ظاهری امکانات ارتباطی، روزبروز تنهاتر و همچنین تحت بمبارانهای تبلیقاتی و مدها و ترغیب شدن به مصرف بدون آنکه بتواند عکس‌العملی نشان داده و یا با دهنده اطلاعات وارد مباحث شود، مقهور آن گردیده است.^(۱۹) امروزه تمدنها (در بهره‌گیری از تکنولوژی) استفاده متفاوتی را نسبت به گذشته از ابزار (هنرها، علوم، صنایع، مدها، محیط زندگی، شیوه زندگی و...) در پیش گرفته‌اند. در همین راستاست که جنبه‌های معنوی حیات که

*** اهمیت شهر و مدینه در بیان آراء و عقاید اهل مدینه و ... باعث می‌گردد تا بسیاری از مکاتب فکری و فلسفی برای بروز و ظهور عقاید و آراء خویش قائل به مدینه‌ای بوده‌اند.**

یکی از زمینه‌های اصلی گفتگوی تمدنها بوده و باید باشد، در مرادوات و ارتباطات (در سطح عامه) حذف شده است. نخبگان و متفکران نیز تا حد زیادی توان خود را در مقابله با این تهاجمات مادی از دست داده‌اند. فی‌المثل در مورد تبلیغات، شووان می‌گوید: «در فرانسه آگهیهای تجاری مانند يك خوره کثیف و موهن طبیعت را می‌بلعد و نه تنها در شهرها بلکه در کوچکترین دهات و حتی خرابه‌های متروک یافت می‌شود، و این امر مطابق با از بین بردن و با تخریب نسبی هم طبیعت و هم مملکت است. ما بنام مناظر زیبا که اصلاً مورد توجه ما نیست چنین سخن نمی‌گوییم بلکه در دفاع از روح يك ملت است. این مبتذلات مایوس کننده مانند مهره و علامت ماشین است که خواستار روح ماست و بصورت ثمرگناه به این نحو نمایان می‌شود.»^(۲۰)

علی‌ایحال با اندکی تسامح، ابزار گفتگوی تمدنها را می‌توان به دو گروه «کلامی» و «نشانه‌ای» تقسیم نمود. ابزار کلامی به آن دسته ابزاری اطلاق می‌شود که به نحوی به بیان «لفظی و

کلامی» ایده و تفکر می‌پردازد و طرف گفتگو مستقیماً بدون نیاز به تجزیه و تحلیل غیر مستقیم و عمیق و سمبلیک، غالباً به دریافت نظر ارائه شده قادر خواهد بود. این ابزار عبارتند از سخن گفتن رودرروی دو یا چند نفره، کتب و نشریات،

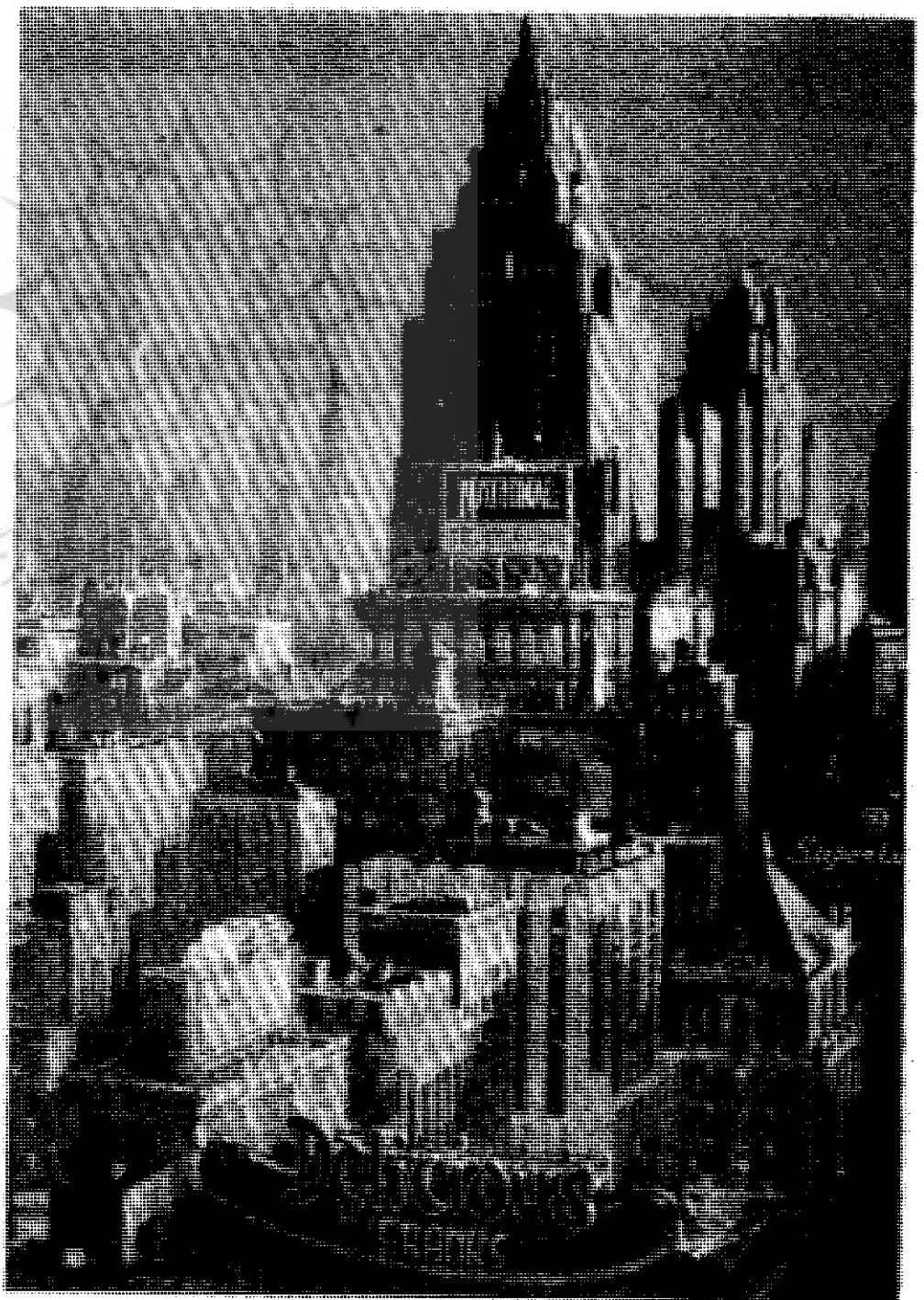
رادیو، تئاتر، محاورات و نوشته‌ها در تلویزیون و سینما، متون شبکه‌های رایانه‌ای و امثالهم. «ابزار نشانه‌ای» به آن دسته ابزاری اطلاق می‌شود که علیرغم باب بسیار قوی فرهنگی و عقیدتی، غالباً بطور مستقیم و عریان گویای مطلبی نبوده و کلیه مبانی عقیدتی و فلسفی و فرهنگی را بصورت نشانه و بار رمز و کنایه به طرف مقابل القاء می‌نمایند، این گروه از ابزار غالباً به آنچه که به شیوه زیست و عوامل مرتبط با آن مربوط هستند اطلاق می‌شود که اهم آنها عبارتند از غذا، لباس، موسیقی، نقاشی، معماری، شهرسازی، هنرهای نمایشی، و تزیینی و مسائل زندگی و امثالهم.

به بیان دیگر یکی از مهمترین ابزار گفتگوی تمدنها، معرفی يك تمدن و رابطه با سایر تمدنها و نفوذ احتمالی در آنها که خود جامع و دربرگیرنده

بسیاری ابزار و وسایل گفتگو می‌باشد، شیوه زندگی و محیط و فضای آن و یا به عبارتی مثنی مردم مدینه اهل يك تمدن است. شیوه زندگی و محیطی که حیات يك تمدن در آن جریان دارد، حامل پیامهایی از جمله: تعریف ارتباط انسانها، بیان چگونگی ارتباط انسان و محیط طبیعی،

تفسیر ارتباط انسان با محیط مصنوع، تبیین رابطه محیط مصنوع و محیط طبیعی، و بسیاری تعبیر دیگر را القا می‌نماید. این درست است که ابزار گروه اول در عصر حاضر رشد بسیاری نموده‌اند، لکن باید توجه نمود، (بویژه برای تمدنهایی که به هر دلیلی خواهان القاء ایده‌ها و تفکرات خویش

در سایر جوامع هستند) نقش اصلی را، حتی در استفاده از گروه اول، گروه دوم بازی می‌نمایند. یکی از ابزارهایی که مورد استفاده تمدن صنعتی



مغرب زمین قرار گرفته و با رسوخ و رواج آن در ممالک با تمدن کهن، و از جمله ممالک اسلامی زمینه نابودی فرهنگ اصیل آنها را فراهم نموده است، نحوه شکل دادن به محیط مصنوع یا به عبارتی معماری و شهرسازی می‌باشد. (۱۱) ممکن است ایراد گرفته شود که به مصداق فرزند زمان

خویش باش شهرها و خانه و لباس و بطور اجمال شیوه زیست ما بایستی مطابق نیازها و یا علوم روز باشد. دقیقاً چنین است، لکن باید توجه کرد که نیازها را چه کسی تعریف می‌کند؟ آیا نیازهای ارائه شده جامع جنبه‌های مختلف حیات انسان (مادی و روانی و معنوی) هستند؟ آیا نحوه استفاده از الگوها و شیوه‌های

وارداتی زیست با معیارهای خودی ارزیابی شده‌اند؟ در این زمینه البته همه ایرادات به تمدن غرب وارد نیست، بلکه سایر جوامع و بویژه

نخبگان و تصمیم گیرندگان آنها بدلیل احساس از خود بیگانگی، احساس حقارت و بی‌توجهی به مبانی فرهنگی خودی و همچنین عدم جلوگیری از گسترش این اشکالات در جامعه و حتی در برخی موارد تشدید آنها از مقصران عمده می‌باشند. (۱۲)

اهمیت سیما و کالبد شهر در گفتگوی

تمدنها. محیط و فضای زندگی بعنوان ظرف تمدن و نمایش کالبدی اصول و ارزشهای جهان‌بینی حاکم بر تمدن، نقش بنیادینی اولاً در تجلی ارزشهای مورد اعتقاد و باور تمدن مظهر خویش، ثانیاً در نمایشی صداقت جامعه در بیان درجه پایبندی به ارزشهای فرهنگی، و ثالثاً در ایجاد زمینه رشد و تعالی جامعه و رابعاً در نمایش هویت تمدن، ایفا می‌نماید. مقیاسها و اندازه‌ها، فرمها، اشکال، جهت‌گیریها، تزیینات، تناسبات، رویکردها، همجواریها، ارتباطات و عملکردهای موجود در يك شهر و ابنیه، و همه آن چیزهایی که کالبد و سیمای شهر را شکل داده‌اند، جملگی از اصول تفکر غالب بر اهل مدینه سخن می‌گویند.

از شهرهای باستانی بین‌النهرین و هند و چین و مصر و ایران گرفته تا دولت شهرهای یونان و رم و شهرهای قرون وسطی و رنسانس و دوره پس از انقلاب صنعتی، و شهرهای سورسیالیستی و شهرهای سرمایه‌داری، جملگی بنا نهاده شده بر مبنای اعتقاداتی هستند و همچنین متصف به تفکر تمدن بانی خویش می‌باشند. به بیان دیگر همانگونه که جوامع و تمدنهای کهن بر مبنای اعتقادات و باورهای خویش محل زندگی خود را شکل می‌دادند و بهمین دلیل امروزه با مشاهده برخی نمونه‌ها، نشانه‌ها و سمبلهای آنها، تمدن بنیانگذارشان مثل هند، چین، مصر، ایران، مایا اینکا و... به ذهن تداعی می‌شود. (۱۳) امروزه نیز چنین است. با این تفاوت که اصل موضوع (و

اینکه محل زندگی و شهر و ساختمان باید تجلیگاه ارزشها و باورها باشند) به فراموشی و غفلت سپرده شده و یا اینکه جامعه به سمتی سوق داده شده که لزوم تجلی ارزشها در محیط ضروری و یا امکانپذیر نیست. در نتیجه ابنیه و محیط بسیاری از جوامع و تمدنها شکل ابنیه و محیط ممالک صنعتی و غربی را بخود گرفته‌اند و فی الواقع مبلغ و مروج ارزشها و باورهای تمدنی دیگر شده و بنحوی با آنچه که خود داشته‌اند، به مبارزه برخاسته‌اند. اهمیت شهر و مدینه در بیان آراء و عقاید اهل مدینه و همچنین تأثیر آن بر دستیابی اهل مدینه به آمال و آرمانهایشان آنچنان پذیرفته شده است که بسیاری مکاتب فکری و فلاسفه برای نشان دادن و ظهور و بروز عقاید و آراء

خویش قائل به «مدینه» ای بوده‌اند که آنرا «مدینه فاضله»، «ناکاجآباد» و «آرمانشهر» نامیده‌اند. در این جهت متفکرین بزرگی همچون افلاطون، فارابی، سهروردی، توماس مور و... مطالبی دارند و به تبع اینها افرادی نیز در پی تجلی کالبدی به شهر ایده‌آل و ایجاد شهر مطلوب بوده‌اند. (۲۲)

در جامعه اسلامی نیز چنین است و تفکر اسلامی بر شکل‌گیری محیط و فضای زندگی بوضوح مشاهده می‌شود. در پاسخ کسانی که یا منکر تأثیر اسلام بر معماری و شهرسازی مسلمین هستند، یا احتمالاً برای معماری و شهرسازی وجهه‌ای عقیدتی قایل نیستند، و یا اینکه فکر می‌کنند اسلام برای اینگونه امور هدایتی را مشتمل نیست، می‌توان گفت که اصولاً دینی که پیامبرش (ص) وجود پرده‌ای با نقش و نگار را در خانه دخت گرامیش نمی‌پسندد، چون ممکن است او را به دنیا مشغول نماید، دینی که جانشین پیامبرش (ع) به قاضی کوفه، شریح بن حارث، که خانه‌ای به هشتاد دینار طلا خرید، چنین می‌فرماید: «ای شریح بدان بزودی نزد تو می‌آید کسی که قبالت را نگاه نکند، و از گواهی نرسد تا ترا از آن خانه چشم باز بیرون برد، و از همه چیز جدا بگورت سپارد. (۲۵) نمی‌تواند نسبت به محیط و فضای زندگی پیروانش بی تفاوت بوده و آنها را به زیستن در فضاهایی مشابه محیط زندگی غیر مسلمین مجاز بداند، تأثیر تفکر و باورها در شکل‌گیری محیط زندگی در تعالیم اسلامی بکرات مشاهده می‌شود. از جمله در «تفسیر المیزان» در مورد ویژگیهای محیط زندگی از جمله امنیت، عدالت، رفاه، میانه‌روی و... ذکر شده است. (۲۶)

غور در اتفاقات تاریخی نیز نشان دهنده تأثیر تفکر حاکم بر فرد و جامعه و محیط زندگی است. مراجعه به تاریخ نشان می‌دهد که خانه و مسجد پیامبر (ص) عاملی در جهت تأیید افراد و گروهها بر صدق نبوت ایشان و در نتیجه گرویدنشان به اسلام بوده است. همچنین از ویژگیهای خانه علی (ع) بسیار گفته شده است، از «کاخ سبز»، معاویه نیز سخن بسیار رفته است. علی (ع) امام بود و خلیفه و جانشین پیامبر (ص) و خواستار

راستین رواج اسلام، لکن هرگز به این نمی‌اندیشید که با شکوه مادی و ظاهری خانه‌اش بر غیر مسلمین تأثیر بگذارد. در حالیکه معاویه چنین نکرد. چرا راه دور برویم و از امام خمینی (ره) سخن نگوییم که همواره انتخاب خانه و محله‌ای که برای زیست برمی‌گزید، بیانگر نحوه نگرش او بود و تا بحال شنیده نشده که کسی او را بخاطر خانه انتخابیش کوچک شمارد، بلکه همیشه بعنوان نقطه قوت و معنویت و علو طبع او مطرح شده است، و بازدید اندیشمندان خارجی از خانه ایشان به اندازه چندین ساعت سخنرانی و کتاب و مقاله و پروشور در بیان و معرفی ارزشها و باورهای تمدن اسلامی - ایرانی تأثیر داشته است. (۲۷)

تا روزگاری نه چندان دور، خانه و شهر هر تمدنی با ویژگیهای خاص خود هویت و فرهنگ سازنده‌اش را اعلام می‌داشت. امروزه نیز در غرب چنین است. اگرچه، شهر مدرن تمدن غربی نیز مشکلات بسیاری دارد و تجانی با بافتهای تاریخی غربی ندارد، لکن باید توجه کرد که این شهرها همچنان تجلی‌گاه فرهنگ و

* معماری و شهرسازی یکی از ابزارهای تمدن صنعتی مغرب زمین است که با رسوخ و رواج آن در ممالک کهن، و علی‌الخصوص در ایران، زمینه نابودی فرهنگ اصیل آنها را فراهم نموده است.

باورهای حاکم بر جوامع غربی هستند. آنها تکرار و تقلید الگویی بیگانه نیستند، آنها احساس از خود بیگانگی را در صاحب خود و اهل خویش بر نمی‌انگیزند (هرچند که در این باب سخن بسیار است و اجمالاً اینکه دنیاگرایی چیزی جز فراموشی خویش نیست «کالدین نسو الله فانسیم انفسهم»، حشر: ۱۹). در بسیاری موارد اهل شهر به شهر خویش مباحثات می‌کنند. خلاصه اینکه «شهر مدرن غربی» سمبل تمدن مدرن غربی است. و اما بالعکس شهرهای جوامع شرقی، چه حرفی برای گفتن به سایر تمدنها دارند؟ بافتهای کهن و تاریخی آنچنان فرسوده‌اند که بسیار حتی به فکر احیای آنها نبوده و نابودی کامل آنها را در برنامه دارند. توسعه‌های جدید نیز تجلی ارزشهای فرهنگی خودی نیستند، و غالباً مختصاتشان (فرم، مصالح، شکل، رنگ، مقیاس، هماهنگی با اقلیم، تناسبات، همخوانی با ارزشهای فرهنگی، معنویت و...) منبعت از فرهنگ خودی نمی‌باشد. عنصر خاصی از

آنها عامل هویت ملی نیست و برخلاف گذشته حرف و سخنی برای ارائه به سایر تمدنها ندارند. هرچه هست آن چیزی است که غالباً مطابق با اصل آن در شهرهای مدرن غربی قابل دسترسی است. امروز يك فرد غربی در خانه جدید ساخته شده در ممالک اسلامی احساس غربت و غریب نمی‌کند و آن را بسیار آشنا می‌یابد. در حالیکه در گذشته چنین نبود. امروزه احجام و فرمهای موجود در شهرهای شرق تشابه زیادی با شهرهای مدرن غربی یافته‌اند. بدون آنکه مشابهتی با بافتهای تاریخی خودی داشته و یا حتی در تداوم تکامل آنها باشند. اینک مشکل در این است که در این مقوله حرفی برای گفتن نیست و در گفتگو با غرب فقط شنونده فراوان است. مشکل این است که شهر و خانه جدید با نیازهای روز هماهنگ نشده و لذا گرایشها به نسخه‌های از پیش تعیین شده غربی متوجه شده‌اند و مضافاً اینکه در بسیاری مقاطع تاریخی کارآیی شهر ایرانی زیر سؤال رفته است.

مختصات محیط زندگی مسلمین. اصطلاح شهر اسلامی را به دو مفهوم می‌توان اطلاق کرد: شهر و محیط مناسب زندگی مسلمین (آنگونه که باید باشد) و شهرهایی که در طول تاریخ توسط مسلمین در نقاط مختلف جهان بنیان نهاده شده‌اند. بدون دخول در جزئیات بحث و اختلاف این دو، کلام را متوجه گروه دوم می‌نماییم. (۲۸)

در این شهرها، علیرغم بسیاری کاستیها، بسیاری محققین بر این باورند که شهرهای مسلمین تجلی ارزشها و اصول برآمده از تعالیم اسلام می‌باشند. تعادل (۲۹)، هماهنگی (۳۰)، سلسله مراتب (۳۱)، درونگرایی (۳۲)، دوری از ریا و خودنمایی، اجتناب از اسراف و تبذیر، مقیاس انسانی، و سایر اصول مرعی شده در محیط مصنوع مسلمین (۳۳) جملگی تعاریف خود را از اسلام گرفته‌اند و با ویژگیهای همین اصول در سایر تمدنها تفاوتی ماهوی دارند.

عنصر مسلط بر شهر تاریخی مسلمین «مسجد» است و اماکن مذهبی و معنوی، و نه اماکن با عملکرد صرف مادی و دنیوی. شهر تاریخی مسلمین شهری بود که با هر تازه‌واردی سخن می‌گفت و خود را و سازنده‌اش را و عقاید اهلش را فریاد می‌کرد. در ساعاتی خاص از مآذنه‌هایش آوای ملکوتی اذان به همه زوایای فضای شهر جریان می‌یافت. مآذنه‌ها و گنبد لاجوردین یا خاکی رنگ مسجد بر شهر سایه انداخته آنرا در پناه خویش گرفته بود و بر آن مسلط بود. بازار (محل داد و ستد و ظاهرأ مادی) شهر پوشیده در دیوارها و نیمه تاریک در کنار مسجد سعی در تطهیر خویش داشت تا فعالان در خود را به اصولی ماورای زندگی مادی فراخواند و بگوید که همه چیز حیات آن نیست که به ظاهر می‌بینید. مدرسه

و دارالحکومه نیز در جوار و در پناه مسجد بودند. هماهنگی مصالح و فرمهای ابنیه حکایت از وحدت و کلیت جامعه و شهر می‌داد. کوزه‌های پیچ در پیچ سخن از سلسله مراتب و توجه به باطن و همدلی مدینه‌نشینان با هم می‌گفت. کتیبه‌های سردر مساجد و منازل و سایر ابنیه تذکر دهنده مداوم آیات الهی بودند. آب و گیاه و آسمان و نور و باد همگی بعنوان آیات الهی در تلطیف عناصر انسان ساخته و طبیعت خشن نقش ایفا نموده، حیات و ممات و پاکی و وحدت و در یک کلام خدا را متذکر می‌گردیدند. (۳۲) شهرهای امروز مسلمین نیز، علاوه بر ارزشهایی که در شهرهای تاریخی متجلی بود، بایستی هم بتوانند تجلی‌گاه سایر ارزشها باشند، و هم اینکه بتوانند تفسیر و روش جدید تجلی ارزشها را بگونه‌ای نمایش دهند که پاسخگوی نیازهای انسان معاصر بوده و الگوی مناسب محیط زیست انسان را ارائه نمایند.

مختصات شهرهای معاصر غربی

مراد از شهر معاصر غربی، علاوه بر شهرهایی که در غرب صنعتی واقع شده‌اند، به شهرهایی اطلاق می‌شود که در ممالک دیگر و از جمله در ممالک اسلامی به تقلید از آنها بنا گردیده و یا

* تغییر الفبای ساخت محیط زندگی، و در نتیجه شیوه زیست، ارتباط فرهنگی نسل حاضر را با ارزشهای فرهنگی و ملی - که کالبد و محیط و فضای جامعه را در طول تاریخ شکل داده‌اند - قطع می‌کند.

این وسیله ابزاری در خدمت القاء ایده‌های جهانگرایانه (سکولاریستی) غربی به همه جهان بوده است و تحت عنوان ظاهری صدور شکل و فرم تکنولوژی، افکار و ایده‌ها نیز صادر شد و سایر ممالک (بدون ارزیابی آنها با معیارهای خودی) آنرا پذیرفته و به تکرار و تقلیدش همت بستند و شد آنچه شد. نکته مهم این است که آنها خود می‌دانند و حتی بر این اصرار دارند که تفکر غالب بر فعالیتهایشان تفکر مادی و سکولاریستی است، در حالیکه سایر جوامع به این نکته آگاه نبوده و یا طالب آن نیستند.

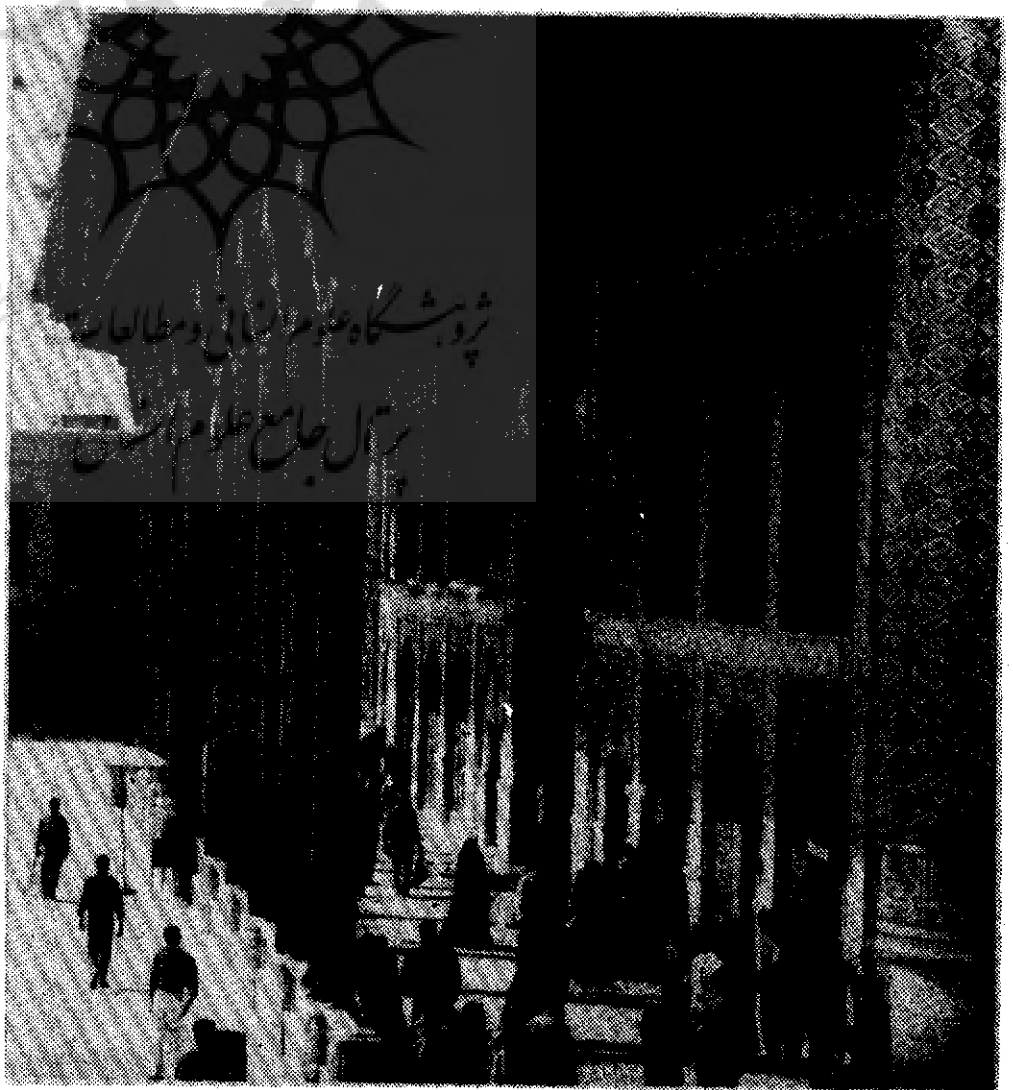
البته برای شهر معاصر محسناتی نیز ذکر می‌گردد که عمدتاً مربوط به فرهنگ ملی و محلی جوامع و یا دستاورد صنعت می‌باشد. نکته اصلی تکیه بر کالبد و سیمای شهر است که مفاهیمی را به بیننده و کسی که در آن می‌زید، القا می‌نماید و این مفاهیم در شهر معاصر غربی مفاهیمی جامع نبوده و منطبق با فرهنگ سایر تمدنها نمی‌باشند. به بیان دیگر، در گفتگوی تمدنها، این زبانی است که دیگران چیزی از آن در نمی‌یابند و ناخودآگاه آنها را از فرهنگشان دور نموده و به رنگ و لباس دیگری در می‌آورد.

شهر معاصر غربی مظهر مادی و توجه به جنبه‌های مادی حیات است، بدون آنکه ظاهراً در مخالفت معنویت سخنی بگوید. لکن چنان بر جنبه‌ها و نیازهای مادی انسان تکیه دارد که نفس کشیدن را برای جنبه معنوی حیات بسیار مشکل نموده است. شهر معاصر شهر مد و مصرف است و این طبیعت و نتیجه گسترش دنیاگرایی و تاکید بر نیازهای مادی است که توجه به مصرف بیشتر را ترویج می‌کند و از طریق تبلیغ و تهییج و شیوع مدهای متنوع به جامعه القا می‌گردد. (۳۵)

همچنین شهر معاصر شهر قطب‌بندیهای اقتصادی است. یکی دیگر از نتایج توجه بیش از حد به جنبه‌های مادی و اقتصادی در جامعه ایجاد مناطق یا قطبهای کاملاً متفاوت و متضاد در شهرهاست که تقسیم‌کننده اهل شهر در گروههای اقتصادی است. این قطب‌بندی سبب می‌گردد که آحاد جامعه به محض خروج از محله و منطقه زیست خویش احساس غربت و ناهماهنگی و نامتجانسی با محیط و جامعه بنمایند که عاملی است در جهت خدشه‌دار شدن وحدت جامعه. (۳۶) اگرچه در ادبیات معماری و شهرسازی معاصر از اصطلاح «مقیاس انسانی» بسیار سخن رفته است، لکن شهر معاصر شهر تسلط مصنوع انسان بر انسان است و مقوله «مقیاس انسانی» نیز با غفلت از بعد روحی و معنوی انسان همچون بسیاری موارد دیگر بر ابعاد و مقیاسها و تواناییهای مادی انسان متمرکز است که البته آن نیز بویژه در بعد شهری قربانی ماشین و سازه‌های زمخت و سنگین و تناسبات بی‌قواره و غیرمنطقی شده است. (۳۷)

این ایده‌ها و الگوها وقتی که به ممالک درحال توسعه وارد شدند، پس از چندی بصورت فاجعه‌ای رخ نمودند. چرا که این ممالک اولاً از

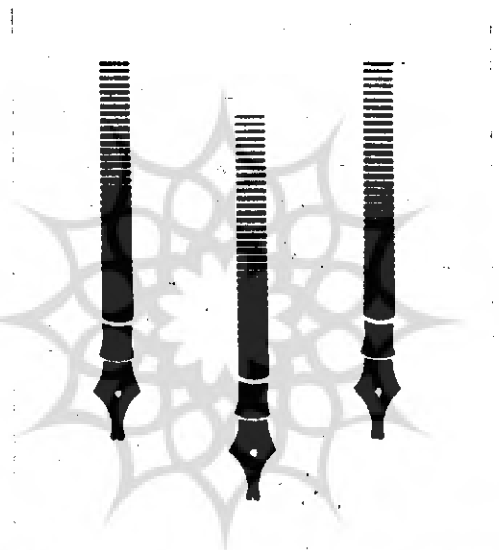
توسعه یافته‌اند. شهر معاصر غربی حاصل و یا تجلی تفکراتی است که پس از رنسانس در اروپا رشد کردند و با گسترش صنعت و تکنولوژی و قدرت مادی امکان تجلی کالبدی بخشیدن به آنها فراهم آمد. تفکرات و مکاتبی چون «مدرنیسم» و «پست مدرنیسم» مکاتب اصلی تبیین‌کننده اصول معماری و شهرسازی جهان صنعتی در قرن حاضر بوده‌اند. بدون دخول در مباحث فلسفی این مکاتب که بحث جداگانه‌ای را طلب می‌نماید، تنها به اختصار به اثرات آنها در شکل دادن محیط مصنوع معاصر اشاره می‌شود تا معلوم گردد که



نظر صنعتی چندین دهه (تا پیش از يك سده) از ممالک صنعتی عقب بودند، ثانیاً از تجربیات آنها عبرت نگرفتند، ثالثاً توانایی مالی جبران اشتباهات را نداشتند، و رابعاً در پی ارزیابی طرحها و برنامه‌ها و نقد آنها نبودند و از همه مهمتر اینکه دچار از خودبیگانگی شدیدی شده و توجهشان به اصول و ارزشهای فرهنگ خودی از بین رفته بود. در نتیجه، علاوه بر آنچه در مورد شهرهای غربی گفته شد، شهرهای جهان سوم دچار مصائب مضاعف گردیدند. از جمله آنکه وجود انواع آلودگیهای آب و خاک و هوا و صوتی و بصری در شهرهای بی‌منطق گسترش یافته جهان سوم بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از شهرهای صنعتی غرب می‌باشد که یکی از مهمترین دلایل آن عبارت از تکرار اشتباهات سایر تمدنها بدون سعی در انجام اصلاحات لازم بوده است. جدایی انسان از طبیعت مصیبت دیگری است که گسترش شهرها بهمراه طلب حداکثر بازدهی اقتصادی از زمین و عدم توجه به نیاز انسان به تماس مداوم با طبیعت و عناصر طبیعی (چه در ابعاد فیزیکی و چه در ابعاد روحی و معنوی) متوجه ساکنین شهرهای بزرگ می‌باشد. تقابل جدی میان محیط جدید و محیط تاریخی شهرها موضوع دیگری است که علاوه بر تشدید قطب‌بندی شهر، عاملی در جهت اضمحلال ابنیه و بافتهای ارزشمند تاریخی شهرها و در نتیجه قطع ارتباط فرهنگی جامعه با گذشته خویش می‌باشد. این عامل تشدید کننده گسترش آرا و عقاید بیگانه در معماری و شهرسازی و در نهایت توسعه مبانی نظری و فلسفی آنها همچون دنیاگرایی، فردگرایی، مصرف‌گرایی است. به بیان دیگر نفوذ ایده‌ها و ارزشهای بیگانه و رشد تقابلهای فرهنگی که در نهایت منجر به ضعف و اضمحلال فرهنگ بومی شده است، از نتایج بی‌توجهی به مبانی نظری و ارزشهای فرهنگی آثار بجای مانده از گذشته می‌باشد. (۳۸)

معرفی و شیوع شیوه‌های نامأنوس زندگی از اثرات نامطلوب توسعه‌های جدید شهری است. این توسعه‌ها چه در خلوت (افراد) و چه در جلوت و جمع، روشها و شیوه‌هایی را برای ارتباط انسانها با یکدیگر و برای رفتارهای فردی و اجتماعی و نحوه نگرش مردم به جامعه و به طبیعت در جامعه ترویج می‌کنند که شاید مهمترین آن تغییر در ارتباطات خانواده‌های نزدیک به هم و همسایگان باشد. این شیوه‌ها حتی بر ارتباطات اعضای خانواده با یکدیگر و با دوستان و اقوامشان تأثیر مستقیم دارد. (۳۹) خلاصه اینکه شهرهای جدید، جملگی تقلید و تکرار الگوهای غربی و عامل مشابه ساختن محیط زندگی مسلمین به محیط زندگی غیراسلامی هستند. قطع ارتباط با گذشته و تاریخ ملی نیز دیگر پیامد اسف‌انگیز می‌باشد. همانگونه که می‌گوییم که تغییر القبا یکی زبان گسیختگی فرهنگی بوجود می‌آورد، عیناً در مورد فضای زندگی نیز چنین است. تغییر القبا ساخت محیط زندگی و در

نتیجه شیوه زیست ارتباط فرهنگی نسل حاضر را با ارزشهای فرهنگی و ملی‌ای که کالبد و محیط و فضای زندگی جامعه را در طول تاریخ شکل داده است، قطع می‌کند. در مورد اهمیت ارتباط با گذشته علامه جعفری می‌گوید: «یکی دیگر از آرمانهای معقول ما که اگر در جهان عینی تجسمی پیدا کند، زیبایی بوجود می‌آورد، عبارت است از پیوستگی با گذشته و آینده... شاید در زندگی هیچ لحظه‌ای ایهام‌انگیزتر و تاریکتر از لحظه‌ای نیست که آدمی خود را بکلی گسیخته از گذشته ببیند و ناتوان از پیوستن به آینده» (۴۰) لذاست که می‌توان گفت همانطور که اگر مفاهیم يك زبان از خارج آمده باشد، بصورت عاملی در جهت قطع ارتباط مردم با فرهنگ گذشته‌شان بوده، و زبان نیز به مرور دگرگون شده و به انحطاط می‌گراید، محیط زندگی نیز دقیقاً چنین است، چرا که فی‌الواقع شهرها نیز همانند کتابهایی هستند که بایستی آنها را قرائت کرد و فهمید.



پی نوشت:

۱- در مورد شیوه بهره‌گیری از ستون اسلامی در تدوین معیارها و لزوم وجود آنها در زمینه معماری و شهرسازی ر. ک نفی‌زاده، ۱۳۷۵ ب و ۱۳۷۷ ج
 ۲-... [ای رسول] تو هم آن بندگان را به لطف و رحمت من بشارت آر. آن بندگان که چون سخن بشنوند، نیکوتر عمل کنند. آنان هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند» قرآن کریم، سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸
 ۳- بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم که بجز خدای یکتا هیچکس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم... قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۴
 ۴- و اگر شما را شکی است در قرآن که ما بر محمد (ص) بنده خود فرستادیم، پس بیاورید يك سوره مانند آن و گواهان خود را بخوانید بجز خدا اگر راست می‌گویید (که این کلام مخلوق است نه وحی خدا) قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۳
 ۵- «آیا خدا را رها کرده و خدایان باطل بی‌اثر را بزرگترند؟ بگو برهانتان چیست؟ بیاورید. این ذکر خدای یکتا سخن من و عالمان امت من است و همه انبیاء و دانشمندان پیش از من. اما این مشرکان جاهل به حق داناستند که از آن اعراض می‌کنند» قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۲۴. همچنین ر. ک سوره بقره، آیه ۱۱

سوره نمل، آیات ۶۴-۵۹ و سوره قصص، آیه ۷۵
 ۶- «کار دین به اجبار نیست، راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردید... قرآن کریم، سوره بقره آیه ۲۵۶
 ۷- از جمله قرآن کریم سوره بقره آیات ۹۴ و ۱۱۱، سوره آل عمران، آیه ۲۰، سوره انفصاف، آیات ۱۵۱-۱۴۹...
 ۸- نهج البلاغه ص ۹۱۴، نامه (وصیت) ۳۱
 ۹- برای مطالعه در مورد تعالیم قرآن کریم در دعوت به سیر در زمین برای عبرت از سرنوشت ملل گذشته و احتراز از پیمودن راهی که به تباهی و فساد جوامع پیشین منجر شده، نفی‌زاده، ۱۳۷۷ ب
 ۱۰- دهخدا، ۱۳۷۳
 ۱۱- همان
 ۱۲- همان و معین، ۱۳۷۵
 ۱۳- بهره‌گیری از تجربیات سایر تمدنها از قرون اولیه شکل‌گیری تمدن اسلامی، در زمینه‌هایی همچون تاریخ، جغرافیا، معماری، شهرسازی، مردم‌شناسی و... مورد توجه متفکرین و دانشمندان مسلمان بوده است. (برای مطالعه ر. ک ابن بطوطه، مقدسی، احمدبن ابی‌یعقوب و...). از سوی دیگر یکی از عوامل مهم رشد استعمار، یافتن بازار برای محصولات و تأمین مواد اولیه برای صنایع بوده است. (از جمله (در مورد کشور عثمانی) ر. ک، Tekei 1971
 ۱۴- در مورد تبادل فرهنگی و تفاوت آن با تهاجم فرهنگی ر. ک داوری اردکانی، ۱۳۷۷
 ۱۵- در مورد اجتناب از پذیرش ولایت کفار و مشرکین ر. ک طباطبایی (ره) «تفسیر المیزان» ج ۱۰، ذیل آیات ۵۴-۵۱ سوره مائده، ج ۲۰ ذیل آیات ۵۸-۴۴ سوره فرقان، ج ۸۷ ذیل آیات ۷۵-۷۲ سوره انفال، ج ۵ ذیل آیات ۳۲-۲۸ سوره آل عمران و ج ۶ (ذیل آیات ۱۱۰-۱۰۲ سوره آل عمران).

۱۶- از خود بیگانگی مشکل عمده بسیاری ملتهاست که غالب محققین و متفکرین از جمله در معماری و شهرسازی به آن اشاره کرده‌اند. همانقدر که از خود بیگانگی نکوهیده و عامل رکود و انحطاط است، بعکس بازگشت به خویش پسندیده و عامل عزت و استقلال و اعتماد به نفس فرهنگی است. چنانچه اصولاً یکی از اهداف مهم امام عصر (عج) پس از ظهور عبارت است از فراخوانی مجدد مردم به اسلام، و در این مورد حضرت علی (ع) می‌فرماید: «چون امام منتظر از پس پرده غیب بیرون آید هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی‌گرداند زمانی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند. و رأی را به قرآن برمی‌گرداند»

۱۷- Naghizadeh (1995), Nasr (1990), Ibrahim (1984)
 18. Naghizadeh, 1995
 ۱۹- در مورد اهمیت تماسهای رودررو Naghizadeh, 1995 (face-to-face communication)
 ۲۰- شویان، ۱۳۷۲، ص ۹۸
 ۲۱- ارتباط معماری و شهرسازی با فرهنگ جامعه و نمایش اصول و ارزشهای فرهنگی در محیط مصنوع از مقلاتی است که همواره مورد توجه و تأکید بوده است. Nasr(1990), Haider (1984), Abu-Lughod (1973), و پیرنیا (۱۳۷۲)
 ۲۲- همان و Ibrahim (1984), Fathy (1985)
 ۲۳- نفی‌زاده (۷۶-۱۳۷۵) و Kostof, 1991
 ۲۴- از جمله افلاطون (۱۳۵۳)، فسارابسی (۱۳۷۶)، مور (۱۳۷۳) و سهروردی (۱۳۵۵). اصولاً بسیاری معتقدند که معماری و شهرسازی تجلی آرمانها و خواستههای درونی انسان است، و او همواره در پی ایجاد محیط آرمایی خویش (بهشت) می‌باشد و اینها که ذکر شد تنها آثار مکتوب معرفی است که به ایجاد مدنیه‌ای فاصله اشاره نموده‌اند. حتی در قرون اخیر و پس از ظهور انقلاب صنعتی و مشکلاتی که در شهرهای صنعتی بروز نمود، بسیاری افراد از جمله آون، ماتا، گارزیه، هاوارد، لوکربوری و... به ارائه ایده‌هایی پرداختند (ر. ک به گیبسین، ۱۳۶۵) تا از مشکلات شهرها بکاهند که البته بعکس تمدنهای کهن که معانی معنوی و روحانی وجه اصلی ایده‌هایشان بود، اینها تنها به فکر جنبه‌های مادی حیات بودند.
 ۲۵- نهج البلاغه، نامه ۴، ص ۸۳۶. همچنین ر. ک به قله‌ای الخویی، ۱۳۹۷
 ۲۶- برای نمونه ر. ک به تفسیر المیزان ج ۴۴، ص ۱۴۹، ذیل آیات ۷۵-۶۲ سوره زمر (عدالت)، ج ۷، ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران (توجه توأم به معنویات و مادیات)، ج ۲۰، ذیل آیات

۲۵-۳۵ سوره هود (عدالت و مساوات)، جلد ۷، ذیل آیات ۶-۲ سوره نساء (عدل)، جلد ۱۱، ذیل آیه ۶۶ سوره مائده (میان روی)، جلد ۱۸، ذیل آیات ۳۵-۲۹ سوره توبه (تصادل) و... همچنین ر. ک امین زاده، براتی و نقی زاده- ۱۳۶۷ (موضوعات منتخب از تفسیر شریف المیزان تحت عناوین مذکور).

۲۷- برای مطالعه در تأثیر فرهنگ بر تولیدات جوامع از جمله معماری ر. ک ملاصالحی (۱۳۷۷)، پیرنیا (۱۳۷۲)، و Naghiza-deh, 1995

۲۸- نقی زاده، ۱۳۷۷ ج

۲۹- برای نمونه: تعادل بین نیازهای معنوی و روانی و فیزیولوژیکی انسان، تعادل بین ابعاد روحی و فیزیکی انسان و محیط مصنوع، تعادل بین محیط طبیعی و محیط مصنوع، و...
۳۰- برای نمونه: هماهنگی بین ابعاد معنوی و مادی حیات، هماهنگی بین طبیعت و محیط مصنوع، هماهنگی بین عملکردها و فرمهای همخوار و...
۳۱- برای نمونه: سلسله مراتب در عملکردهای شهری، سلسله مراتب محله‌ای، دسترسی، و... (ر. ک نقی زاده، ۱۳۷۸)

۳۲- رجوع کنید به پیرنیا، ۱۳۷۲

۳۳- نقی زاده (۱۳۷۶ الف، ب، د) و Naghizadeh, 1995
۳۴- در مورد ارزش و تأکید توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و معانی نهادین آنها در فرهنگ اسلامی ر. ک؛ توحید مفصل، بسات (۱۳۶۹) و امین زاده و براتی و نقی زاده (۱۳۶۷) و Lings, 1991
۳۵- در شهر همه چیز همخوان با رسمهای روز (مدها) یا یکدیگر همبستگی دروغینی می‌یابند. هرچه دورانی عصبی‌تر باشد، مدهایش زودتر دگرگون می‌شود، زیرا نیاز به تمایزها- یکی از مهمترین عوامل رسم روز (مد)- همراه با انرژیهای عصبی پیش می‌رود. بابک احمدی، ۱۳۷۳، به نقل از سیمل. همچنین برای مطالعه در تأثیر مخرب مد و مدرگرایی بر فرهنگ و ارزشهای آن ر. ک جعفری، ۱۳۷۳

۳۶- نقی زاده، ۱۳۷۶ ب و الف

۳۷- نقی زاده، ۱۳۷۶ الف

۳۸- رجوع کنید به نقی زاده، ۱۳۷۵ ج و ۱۳۷۶ د

۳۹- این دگرگونیها که ناشی از تغییر ناهماهنگ مکان بایستی فضاها و عملکردها با ارزشهای فرهنگی میباشد در همه زمینهها مشهود است، از فضاها و عملکردهای یک واحد مسکونی گرفته تا سایر فضاهای نیمه عمومی، نیمه خصوصی و عمومی. برای مطالعه ر. ک حبیبی (۱۳۷۵)، Naghizadeh (1995)، Petherbridge (1978)، Ismail (1972)

۴۰- جعفری، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، ص ۲۹

منابع:

این بطوطه (ترجمه موحد، محمد علی)- سفرنامه این بطوطه- انتشارات علمی و فرهنگی- تهران- ۱۳۶۱
- احمدلین ابی یعقوب (ترجمه آیتی، محمد ابراهیم)- البلدان- بنگاه ترجمه و نشر کتاب- تهران- ۱۳۵۶
- احمدی، بابک- مدرنیته و اندیشه انتقادی- نشر مرکز- تهران- ۱۳۷۳

- افلاطون (ترجمه کاویانی، رضا و لطفی، محمد حسن)- جمهوری افلاطون- ابن سینا- تهران- ۱۳۵۳
- امین زاده گوهرریزی، بهناز و براتی، ناصر و نقی زاده، محمد، - شناسایی اصول و مفاهیم شهرسازی اسلامی- پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران- ۱۳۶۷
- بسات، نجم الدین (ترجمه حلیمسی، محمد حسین و اسلامبولچی، منیره)- شهر اسلامی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- تهران- ۱۳۶۹

- پیرنیا، محمد کریم- آشنایی با معماری اسلامی ایران- دانشگاه علم صنعت ایران- تهران- ۱۳۷۲
- جعفری، محمد تقی- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام- وزارت ارشاد اسلامی- تهران- بی تا

- جعفری، محمد تقی- فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو- انتشارات علمی و فرهنگی- تهران- ۱۳۷۳

- حبیبی، حسن- سخنرانی افتتاحیه سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران- مجموعه مقالات- وزارت مسکن و شهرسازی- تهران- ۱۳۷۵

- داری اردکانی، رضا- تبادل و تهاجم فرهنگی فصلنامه نامه فرهنگ- شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۷
- دهخدا، علی اکبر- لغت نامه دهخدا- مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران- تهران- ۱۳۷۳

- سپهروردی، شهاب الدین بحیبی- مجموعه مصنفات شیخ اشراق- اتحمن فلسفه- تهران- ۱۳۵۵

- شووان، فریدهوف (ترجمه نصر، سید حسین)- اصول و معیارهای هنر جهانی- در ناچیدینی، علی (گردآورنده)- مبانی هنر معنوی- حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی- تهران- ۱۳۷۲

- (امام) صفاق، جعفرین محمد (ترجمه مجلسی، ملا محمد باقر)- کتاب توحید مفصل- انتشارات نقیه- تهران- ۱۳۵۹

- طباطبایی ره، [علامه] سید محمد حسین- تفسیر شریف المیزان: مجلدات ۵ (ت: موسوی همدانی، سید محمد باقر- دارالعلم- قم پیتا)، ۶ (ت: نیری بروجردی، عبدالکریم- دارالعلم- قم پیتا)، ۷ (ت: صالحی کرمانی، محمد رضا- دارالعلم- قم پیتا)، ۱۰ (ت: گرامسی قمی، محمد علی- دارالعلم- قم پیتا)، ۱۱ (ت: موسوی همدانی، سید محمدباقر، محمدی- تهران- ۱۳۶۲)، ۱۷ (ت: موسوی همدانی، سید محمد باقر- محمدی- تهران- ۱۳۶۳)، ۱۸ (ت: موسوی همدانی، سید محمدباقر- محمدی- تهران- ۱۳۶۲)، ۲۰ (ت: حجتی، محمدجواد- محمدی- تهران- ۱۳۶۳)، ۳۰ (ت: موسوی همدانی، سید محمد باقر- محمدی- تهران- ۱۳۵۶)، ۳۱ (ت: موسوی همدانی، سید محمدباقر- محمدی- تهران- ۱۳۵۷)، ۳۴ (ت: موسوی همدانی، سید محمدباقر- محمدی- تهران- ۱۳۶۱)،

- فارابی، ابونصر (ترجمه ملکشاهی، حسن)- السیاسة المدنیة- سروش- تهران- ۱۳۷۶

- قبله‌ای الخویسی- علی علیه السلام و نامه هایش- تهران- ۱۳۹۷ هـ ق

- قرآن کریم- ترجمه (مرحوم) الهی قمشه‌ای، مهدی- بنیاد نشر قرآن و امیرکبیر- تهران- ۱۳۶۷

- گیدیس، زیکفرد (ترجمه مزینسی، منوچهر)- فضا زمان و معماری- انتشارات علمی و فرهنگی- تهران- ۱۳۶۵

- معین، محمد- فرهنگ معین- امیرکبیر- تهران- ۱۳۷۵

- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد- احسن التقاسیم فی معرفت الاقالیم- شرکت مولفان و مترجمان ایران- تهران

- ملاصالحی، حکمت الله- تسلط پذیری فرهنگ: قابلیت‌ها و ظرفیتها- فصلنامه نامه فرهنگ- شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۷

- مور، تامس (ترجمه آشوری، داریوش و انتشار نادری، نادر) آرمانشهر (یوتوپیا)- خوارزمی- تهران- ۱۳۷۳

- نقی زاده، محمد- تقابل سبکهای معماری وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی- مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران- وزارت مسکن و شهرسازی- ۱۳۷۵ الف

- نقی زاده، محمد- سرچشمه ارزشهای که بازاریها بایستی محمل و تجلیگاه آنها باشند- سومین کنفرانس بین المللی بازاری سازی مناطق چنگزده- دانشگاه تهران- ۱۳۷۵ ب

- نقی زاده، محمد- معماری و شهرسازی اسلامی- مجله بصائر شماره‌های ۲۳ و ۲۴- ۱۳۷۶- ۱۳۷۵

- نقی زاده، محمد- مقدمه‌ای بر شناسایی مضللات طراحی در بافتهای تاریخی شهرها- مجموعه مقالات همایش تخصصی بافتهای شهری- وزارت مسکن و شهرسازی- ۱۳۷۶ الف

- نقی زاده، محمد- مدخلی بر روشهای ارزیابی ساختمانهای بلند با فرهنگ اسلامی- مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ساختمانهای بلند در ایران- دانشگاه علم و صنعت ایران- تهران- ۱۳۷۶ ب

- نقی زاده، محمد- شهرهای جدید: بستر مناسب تجلی ارزشهای مهجور- همایش تخصصی شهرهای جدید- اصفهان- ۱۳۷۶ ج

- نقی زاده، محمد- طرحهای آماده سازی: گامی لازم اما نارسا در ساماندهی توسعه‌های شهری- همایش تخصصی آماده سازی

زمین، جلوه‌ای از توسعه شهری- همدان- ۱۳۷۶ د

- نقی زاده، محمد- مشارکت مردم در تحقق وحدت جامعه اسلامی (مطالعه موردی: سینما و کالبد شهر)- همایش شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی- دانشگاه تهران- ۱۳۷۷ الف

- نقی زاده، محمد- اهداف و موضوعات جهانگردی در فرهنگ اسلامی- مجله اطلاعات میاسی- اقتصادی، شماره ۱۳۸- ۱۳۷- بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ب

- نقی زاده، محمد- صفات شهر اسلامی در متون اسلامی- مجله هنرهای زیبا، شماره ۴- ۱۳۷۷ ج

- نقی زاده، محمد- حکمت سلسله مراتب در معماری و شهرسازی- دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران- بی- ۱۳۷۸

- نهج البلاغه خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه حضرت علی علیه السلام- (ترجمه فیض الاسلام، سید علینقی)- کلاله خاور، تهران- ۱۳۵۱

- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)- مترجم و فراهم آورنده: پاینده، ابوالقاسم- جاویدان- تهران

- Abu-Lughod, Janet, Cairo: Perspective and Prospectus, in Brown, L. Carl (ed). From madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City. The Darwin Press, Princeton, New Jersey. 1973

- Brolin, Brent C. The failure of Modern Architecture, Van Nostrand Reinhold Co. New York. 1976

- Burckhardt, Titus. Art of Islam, language and Meaning. World of Islam Festival. London. 1976

- Fathy, Hasan, Cairo of the Future, In Architectural Transformation in the Islamic World (9th: 1984 Cairo, Egypt). Concept Media Pty, Singapore. 1985

- Haider, S. Gulzar. Habitat and Values in Islam: A Conceptual Formulation of an Islamic City. in Sardar, Ziauddin (ed). The Touch of Midas, Manchester Univrsity Press. manchester. 1984

- Ibrahim, Saad Eddin, Cairo, A Sociological Profile. In Architectual Transformation in the Islamic World (9th: 1984 Cairo, Egypt). Concept Media Pty. Singapore. 1985

- Ismail, Adel, Origin, Ideology and Physical Patterns of Arab Urbanisation. In journal Ekiastics. Vol. 195. Feb. 1972

- Kostof, Spiro. The City Shaped. Thames and Hudson. Hong Kong. 1991

- Lings, M. Symbol and Archetype: A Study of Meaning of Existence. St Edmundsbury Press. Cambridge. 1991

- Naghizadeh, Mohammad, Principles of the Contemporary Islamic Urban Design: The Elimination of Conflicts in Muslim Built Environments. Unpublished PHD Thesis. The University of NewSouth Wales. Sydney. 1995

- Nasr, Seyyed Hossein. Traditional Islam in the Modern World. Kegan Paul International. New York. 1990

- Petherbridge, Guy T. Vernacular-Architecture: The House and Society. In Michell George (ed). Architecture of the Islamic World. William Morrow and Co. New York. 1978